



## نگاهی دوباره به حدیث شریف "مصباح هدایت"

سطحي نگري و عدم دقت کافي در معاني برخي از احاديث، باعث بوجود آمدن غلط هاي مشهوري شده است...

### مقدمه

سطحي نگري و عدم دقت کافي در معاني برخي از احاديث، باعث بوجود آمدن غلط هاي مشهوري شده است که با تامل بیشتر، تفاوت معني دار بين دو برداشت ظاهري غلط و عميق درست روشن مي گردد. حدیث مشهور "ان الحسين مصباح الهدی و سفینه النجاه" از این آفت مصون نمانده و نگاهی ظاهربینانه، از آن ارائه شده است. براساس این نگاه حدیث شریف می فرماید: همانا حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات می باشد. در این مقاله سعی شده است با موشکافی معنای کلمه "مصباح" به مفهوم عمیقی از این فرمایش پیامبر اکرم (ص) ارائه و در کنار آن از اقیانوس بیکران معرفتی حدیث شریف، در حد توان استفاده گردد.

### سیري کوتاه در مفاد کلي حدیث

این حدیث شریف از وجود مقدس پیامبر اسلام (ص) با عبارت "ان الحسين مصباح الهدی و سفینه النجاه" (سفینه البحار- 257/1) و (خصائص الحسينیه، ص 45) و (ناسخ التواریخ- ص 57) صادر گردیده که در سمت راست عرش الهی نوشته شده است. متن حدیث شامل یک لقب از ده ها لقب سیدالشهداء (ع) می باشد و این لقب مصباح هدایت و کشتی نجات است. یعنی غیر از مقام امامت آن حجت الهی در شیوه زندگی و الهام بخشی راه و رسم جهاد و شهادت نیز، آن حضرت راهنمای بشر است و در غرقاب هستی و طوفان های اجتماعی، کشتی نجات بخشی است که هرکسی به ولای او چنگ زند از امواج بی دینی و ذلت نجات یافته و به ساحل عزت و کرامت می رسد. مصباح حسینی در شب تاریک تاریخ همواره درخشان بوده و راه را نشان داده است. (فرهنگ عاشورا- ص 426). این سخن شریف پیامبر در عین ایجاز مفاهیم "شفاعت"، "سبل الله بودن"، "صراط، ولایت، رهبری و مانند آن را در خود جای داده که پاسخگویی تمامی ارادتهای ارادتمندان و توسلات و گریه های عاشقان و حوائج دردمندان عالم می باشد. اگر گفته شود: چرا این همه زیارت، توسل، گریه و اظهار ارادت به آن حضرت و یا گرامیداشت، تعظیم و احترام به ساحت مقدسش انجام می گردد؟ کافي است بگوئیم چون حسین (ع) مصباح هدایت و کشتی نجات است. پس چه دلیلی محکم تر از این، که رسول مکرم الهی ما را به این نکته ارشاد و راهنمایی کرده است. قابل ذکر است دو ویژگی مذکور در حدیث، منحصر به وجود مقدس سیدالشهداء نبوده؛ بلکه سایر معصومین و حتی انبیاء و اولیای الهی نیز آن دو را دارا می باشند. با این تفاوت که مظهر اتم و محل تجلی دو ویژگی مذکور، در وجود سیدالشهداء (ع) می باشد و این به خاطر ویژگی های منحصر به فردی است که خدای حکیم در فرزند پیامبر قرار داده است.

### بررسی مفهوم لغوي "مصباح" و مفاد آن

محل تامل بیشتر حدیث "مصباح هدایت" در کلمه مصباح است که به نظر می رسد در ترجمه مشهور آن مسامحه ای صورت گرفته و نیاز به تجدید نظر در معانی لغوی و مفاد آن می باشد. مصباح از نظر ادبی اسم آلت (بر وزن مفعال) است که با معنای لغوی و مفهوم آن در ارتباط است.

- راغب اصفهانی در مفردات در ضمن معنای کلمه "صبح" می فرماید: (والمصباح: مایسقی منه) (مفردات الفاظ قرآن- ص 437) یعنی ابزار و وسیله ای که توسط آن انسان و یا غیر انسان سیراب می گردد. بنابراین معنا حسین (ع) وسیله ای است که تمامی حق طلبان از چشمه زلال هدایت آن، در طول تاریخ بشری سیراب می شود و آن شراب طهوری است که دست قدرت ساقی ازل و ابد آن را در دلهای اهل ایمان ریخته و آنها را مست محبت حسینی کرده؛ به طوری که این خمارآلودی برای همیشه ادامه داشته و وسیله ای برای هدایت آنها در مسیر مستقیم عشق آن حضرت به سوی ذات اقدس احدیت می باشد. مضمون این مطلب در بیانات متعددی از نبی گرامی اسلام (ص) نقل شده است که به عنوان نمونه دو حدیث یادآوری می گردد:

1- "ان لقتل الحسين حرارة في قلوب المومنين لا تبرد ابدا" (مستدرک الوسائل- 10 / ص 318).

2- "ان للحسين (ع) في بواطن المومنين محبة مكنونة" (بحارالانوار- 272/43 و 281 و مستدرک الوسائل 10 / ص 318).

- در لسان العرب و المنجد و مصباح المنیر ضمن معنای "صبح" مصباح را به معنای معروف آن یعنی سراج آورده اند که یکی از مصادیق مادی ابزارهایی است که کشف ظلمت می نماید؛ تامل در معنای اصل و مشتقات آن، روشن می نماید که اولاً در معنای "صبح" نوعی انکشاف و ظهور ملاک بوده و ثانیاً این انکشاف و ظهور اعم از مادیات (مانند چراغ) و معنویات می باشد.

بنابراین با توجه به مطالب گذشته و با در نظر گرفتن مجموعه احادیث مرتبط- سیدالشهداء- ترجمه "مصباح" به چراغ (سراج عربی) در حدیث، که به عنوان بیان مصداق مطرح است، درست نبوده و جامعیت مفهوم مصباح را زیر سوال می برد. بیان این حقیقت و وجه تامل آن به شرح ذیل تقدیم خوانندگان تیزبین می گردد.

وجوه تامل در ترجمه مصباح به معنای چراغ

1- اگر مصباح را به معنای "چراغ" بگیریم تنها به یکی از مصداقی محدود و مادی آن توجه و سایر معانی آن را فراموش کرده و دایره مفهوم آن را خیلی تنگ نموده ایم. چون اولاً چراغ، یک فضای محدودی را می تواند روشن نماید؛ و در این صورت تاریکی شب گمراهی، هنوز پابرجا بوده و سالک نمی تواند ادامه مسیر دهد در حالیکه مصباح، همچون نور خورشید، در همه جا و در حال پرتو افشانی بوده و سالک را به سرمنزل مقصود می تواند راهنمایی نماید. وجود مقدس سیدالشهداء همان خورشید نور افشانی است که با زدودن تاریکی گمراهی ها و جهالت، انسان سالک را به صبح حقیقت و حق محض می رساند.

ثانیاً از نظر طول زمانی نیز، نورانیت چراغ محدود بوده و شامل همه قرون و اعصار نمی گردد؛ در حالی که مصباحیت سیدالشهداء، از اول خلقت بشر و در همه عصرها و مکان ها بوده و هدایت را به همراه خود داشته است.

بنابراین نورانیت انسان کامل اقتضاء می کند، هیچگونه محدودیت زمانی و یا مکانی در رساندن سالکان به حقیقت نداشته باشد و این مفهوم با مصباح به معنای چراغ منافات دارد.

2- اگر مصباح را به معنای "چراغ" ترجمه نمائیم با احادیث متعدد دیگر و مضامین زیارتی سیدالشهداء منافات خواهد داشت که در آنها صراحتاً از وجود مقدس حضرتش به "نور" تعبیر شده است. به عنوان نمونه اشاره به برخی از احادیث و فقرات زیارتی می نماییم.

الف - در حدیثی قدسی از قول خدای سبحان نقل شده است:

"انه نور اولیایی و حجتی علی خلقی والذخیره للعصاة" (خصائص الحسینیة، ص 45)

ب - در ضمن یک حدیث طولانی از رسول مکرم اسلام (ص) به روایت انس نقل شده است که آن حضرت فرمود: "ففتق ثور ولدی الحسین فخلق منه الجنة و الحور العین فالجنة و الحورالعین من نور ولدی الحسین و نور ولدی الحسین من نورالله و ولدی الحسین افضل من الجنة و الحور العین" (خصائص الحسینیة، ص 48). یعنی حسین (ع) نور است و نور آن حضرت جلوه ای از نور باری تعالی می باشد که در قرآن شریف آمده است: "الله نور السموات و الارض..." (آیه 35، سوره نور) که اشاره به حقیقت ظهور وجود، دارد.

ج - در زیارت های مطلقه- اربعین- عید فطر و قربان سیدالشهداء می خوانیم:

"شهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره" (مفاتیح الجنان- ص 819 و 782 و 756).

د در زیارت نیمه شعبان خطاب به سیدالشهداء می گوئیم:

"شهد انک نورالله الذی لم یطفأ ولا یطفأ ابدا" (مفاتیح الجنان- ص 717).

بنابراین حسین (ع) "نورالله" بوده و خاموش شدن نیست. لازم به ذکر است، ائمه (علیهم السلام) دارای دو وجودند:

الف) وجود نوری [1] محض که سابقه آن به قبل از خلقت عالم و آدم باز می گردد. چنانکه در زیارت جامعه می خوانیم: &#171;خلقکم الله انوراً؛ فجعلکم بعرشه محققین&#171;.

ب) وجود نوری مادی. نور حسین (ع) نیز نخستین آفریده خداوند است. ولی در همان عالم نور برای نور حسین (ع) ویژگی خاص است و آن این که مشاهده آن موجب حزن می شد، همان گونه که برای رسولان الهی از جمله، آدم، ابراهیم و نوح علیهم السلام اتفاق افتاد [2]. (نارالله، ص 68).

3- خداوند سبحان در آیات متعدد قرآن مانند &#171;قد جائکم من الله نور و کتاب مبین&#171; (آیه 15، سوره مائده)

از قرآن بعنوان "نور" یاد کرده که بر پیامبرش نازل شده است. و از طرف دیگر براساس حدیث صحیح و متواتر ثقلین نیز، اهل بیت پیامبر همتای قرآن معرفی گردیده که این مسأله نیز یکی از وجوه مشترک قرآن و عترت را، که هر دو جلوه ای از ذات مقدس الهی هستند، اثبات می نماید و آن ویژگی "نورانیت" آن دو است که بوسیله آن نورانیت، ظلمات مادی و معنوی، فرصت ظهور نخواهد داشت.

4- نکته مهم دیگر این است که هدایت "چراغ"، صرفاً از نوع ارائه طریق و راهنمایی می باشد؛ در حالی که هدایت ویژه سیدالشهداء، از نوع دستگیری عاشقان تشنه لب و رساندن آنها به محبوب علی الاطلاق است که از آن تعبیر به "ایصال به مطلوب" می گردد. یعنی چراغ فقط راه را نشان می دهد ولی سیدالشهداء نه تنها راه را نشان می دهد بلکه از سالکان طریق توحید دستگیری نموده و آنها را به حرم امن الهی و لقاء محبوب می رساند و به همین دلیل است که ذات مقدس پیامبر و آل پاک او در متون دینی، گذشته از آنکه تعبیر به صراط و سبیل شده اند بلکه بعنوان "باب الله" مطرح هستند و این یعنی همان "مصباحیتی" که معنای چراغ "تاب تحمل" آن را ندارد.

پس با توجه به نکات یاد شده، کاملاً روشن است که حسین (ع) "نور درخشان هستی" است که انسان های شایسته را، به سوی توحید ربوبی هدایت کرده و ارادتمندان خود را، به فیض لقای دوست نازل می نماید. به طوری که همیشه و در همه حال، این هدایتگری مصداق کامل دارد. در نتیجه امام حسین (ع) "نور هدایت" است نه "چراغ هدایت".

پس در تبیین بخش اول حدیث شریف "مصباح هدایت" می توان گفت: هدایتگری سیدالشهداء با جان نثاری آن حضرت در راه دین جد بزرگوارش تابیدن گرفته و با شهادت آن امام همام، اسلام ظهوری دوباره پیدا نمود. در واقع تجلی و درخشش نور حسینی در روز عاشورا آشکار شده و تا ابد "راه" را برای روشنندان عالم هموار کرد. از بدن پاره پاره آن حضرت گرفته تا سر بریده در بالای نیزه، همه تشعشع انوار هدایت حسینی بود. دیر راهب و تنور خولی ملعون شاهد پرتو افشانی سیدالشهداء بود، کوفه و شام، شاهد افشاگری و

هدایتگری انسان های آزاده ای توسط آن حضرت بود؛ به طوری که تک تک آنها برای دوران های بعد، "منشاء هدایت" شدند. در طول قرن های مختلف نیز، بارگاه ملکوتی آن حضرت، علم هدایت شده و دل‌های حقیقت جو را به سوی خود، همچون آهنربایی جذب و مشعل هدایت را شعله ورتر نموده است.

نام و یاد حسین (ع) مجالس سوگواری و عزای حضرتش در طول سال و به ویژه در ایام محرم، نور محبت و هدایت سالار شهیدان را جلوه‌ی دیگری بخشیده و عاشقانش را در مسیر عزت، اقتدار، ظلم ستیزی و سلوک عارفانه پیش می‌برد. به طوری که امروز در سراسر دنیا آن فرمایش اعجاز گونه زینب (س) در مجلس یزید که فرمود: اکنون هر کید و مکرری که توانی بکن و هر سعی که خواهی به عمل آور و در عداوت ما کوشش فرو مگذار و با این همه سوگند به خدا که ذکر ما را نتوانی محو کرد و وحی ما را نتوانی دور کرد (منتهی الامال، ص 511) خود را پیش از پیش نشان داده و همه آزادگان عالم با نام و مرام سیدالشهداء آشنا بوده و از آن الگو می‌گیرند. فداکاری رزمندگان اسلام در طول 8 سال دفاع مقدس در ایران اسلامی و مقاومت مردم غیور و مظلوم فلسطین و لبنان در برابر استکبار جهانی همه و همه برگرفته از انوار هدایت آن امام مظلوم می‌باشد. و این است معنای هدایت، ولایت باطنی و معنوی، رمز توسلات و اظهار ارادت ها.

گر بحار اولاء مرکب، نخله طوبی قلم کاتبان دهر اگر چه، حشره تک وورسا قلم  
حاش لله مدحت شخصیتون اولسون رقم لفظ #171&#39;مصبح الهدی&#39;؛ ایلر کفایت یا حسین

بررسی بخش دوم حدیث "مصباح هدایت"

در بخش دوم حدیث شریف آمده است: "حسین (ع) کشتی نجات است" که این مضمون نیز در احادیث و روایات دیگر آمده است. باتوجه به این جمله می‌توان گفت: اولاً آن حضرت برای کسی کشتی نجات است که سوار کشتی شده و آنگاه امید نجات داشته باشد و ثانیاً ایمان به وجود طوفان ها و امواج خروشان و گردبادهای سهمناک دریایی داشتن و خود را داخل آن دیدن است که انسان عاقل با تمام وجود به دنبال نجات خود می‌باشد. در غیر این صورت آرزوی نجات خیالی بیش نخواهد بود. کشتی نوح نجات دهنده افرادی بود که با هدایت آن حضرت سوار بر کشتی نوبت شدند و بقیه افراد غرق گشتند. بنابراین در اینجا ناجی و ابزار نجات و فرد طوفان زده، سه ضلع مثلثی را تشکیل می‌دهند که بدون وجود یکی، دیگری معنای خود را از دست می‌دهد.

کشتی نجات امام عشق، زمان و مکان نمی‌شناسد. اگر زمانی که انسان بوده بر ساحل دریای مصائب و معاصی گذر انداخته و چشم براه گرفتاران درمانده بوده و از آنها دستگیری کرده است. اگرچه انبیا و اولیاء دست کمک به این کشتی و نجات یافته اند اما اوج خودنمایی این کشتی نجات در روز عاشورا بود که دین خدا را از خطر نابودی حتمی برای همیشه نجات داده و دینداران دین شناس را کمکی شد تا برای رهایی از دریای طوفان زده نفس که منشاء تمام بدبختی ها و طغیان ها می‌باشد و رسیدن بر ساحل امن توحید ربوبی اقدام نمایند.

آری، توسل به آن حضرت، گریه و زاری، التماس، اظهارت محبت و حرکت در راه آن حضرت همه و همه در واقع سوار شدن بر کشتی نجات است. پس همان طوری که کشتی انسان را از غرق شدن در دریای طوفان زده و سقوط در آن نجات می‌دهد، حسین (ع) نیز انسان را از طوفان سرکشی هوای نفس، تاریکی گناهان و در نتیجه از آتش قهر و غضب الهی رهایی بخشیده و به ساحل عبودیت و مقام رضوان الهی می‌رساند. شهادت امام حسین (ع)، دین را از نابودی و اضمحلال آشکار، که در نتیجه جهالت و گمراهی آشکار اهل دین بود، نجات داد. همان طوری که در زیارت اربعین امام صادق (ع) به صراحت می‌فرماید: #171&#39;بذل المهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة&#39; (مفاتیح الجنان، ص 818). یعنی ای حسین! اولاً حسین (ع) در راه خدا ایثارگری کرد، قلب و هسته مرکزی وجود شریف خود را، با خدا معامله کرد تا بندگان خدا را، از دو بیماری و گرفتاری نادانی و سردرگمی نجات دهد. پس باید به خودمان مراجعه و بررسی کنیم که آیا قادر به تشخیص دین خدا و تشخیص حق از باطل، هستیم یا نه؟

اگر پاسخ سؤال مثبت است، بدانید که حسین (ع) ما را از نادانی و گمراهی نجات داده و اگر خدای ناکرده، گمراهی و جهالت، شک و تردید در وجود ما وجود دارد، در آن صورت قطعاً سوار کشتی نجات حسینی نبوده ایم و بیراهه می‌رویم. در عصر حاضر، شیطان صفتان و شیطان پرستان، بندگان زر و زور و قدرت، با انواع شگردهای تبلیغی و با تبلیغات مسموم رسانه ای و سایت های مبتذل در عرصه سیاست و قدرت، اقتصاد و ثروت، و سکس و شهوت، سعی در فریب افکار عمومی و رسیدن به خواسته های شوم خودشان داشته و دین و مذهب را، بستر مناسبی برای پیاده کردن طرح شیطانی خود انتخاب کرده اند؛ آنها نخواستند اند و نمی‌خواهند و نمی‌توانند دین و مذهب را از بین ببرند چون این کار شدنی نیست. مگر در قرآن شریف نمی‌خوانیم: فطرة الله التي فطر الناس علیها (آیه 30 سوره روم)؛ دین همزاد بشر است و همراه آن نیز خواهد بود. بنابراین آنها يك راه بیشتر ندارند و آن نیز تحریف ادیان و تقابل آنها با یکدیگر، پوچ و بی‌محتوا ساختن دین الهی است که در این صورت با يك تیر دو نشان زده اند، هم آنها به اهداف شوم خودشان می‌رساند و هم دینداران نادان، به زعم خودشان به ندای فطری خودشان پاسخ داده اند و این بهترین راهی است که انتخاب کرده اند. در تحریفات برون دینی از راه مسائلی چون پولوالیسم دینی، با تمسک به آموزه های دینی تحریف شده خودشان، وارد شده و در تحریفات برون دینی نیز، از طریق قداست شکنی و حساسیت زدایی دینی، فرقه سازی و تولید نحله ها و عرفان های مدرن مانند وهابیت، بابیت، شیطان پرستی، کیهان درمانی و ... و وارد کردن مطالب ساختگی، اهداف پلید خود را پیگیری کرده و به طور خلاصه به دنبال دین و مذهبی کاملاً باز و آزاد هستند که نه تنها خواسته های مختلف دینداران را در بر گیرد، بلکه اینها نیز از آن طریق به مقاصد خودشان نائل شوند، به طور قطع ریشه ی همه این بدبختی ها و سرگردانی ها، همان جهالتی است که حسین (ع) فدایی آن شد تا جهان بشریت نجات پیدا کند؛ حال در این شرایط حساس و غبارآلود، تنها آگاهی و عقلانیتی که برگرفته از دین الهی باشد می

تواند انسان را نجات دهد و آن نیز جز در سوار شدن بر کشتی نجات حسین (ع) محقق نخواهد شد. در این مجال، برای عینیت بخشیدن به مفهوم حدیث شریف مصباح هدایت، نمونه هایی از مصادیق نجات بخشی سیدالشهدا را از گرفتاری های مختلف، ذکر می کنیم:

1- امام صادق (ع) در حدیثی می فرماید: «&#171; ان الی جانبکم قبراً، ما اتاه مکروباً الا نفس الله کرهته و قضی حاجته»؛ (کامل الزیارات، ص 552) این حدیث شریف اشاره به نجات بخشی حرم مطهر سیدالشهداء داشته و موضوع آن نیز، رهایی غم و گرفتاری و برآورده شدن حاجت زائر می باشد.

2- در حدیث دیگری امام صادق (ع) می فرماید: «&#171; من ذکرنا عنده ففاضت عیناه و لو مثل جناح بعوضة غفرله ذنوبه و لو کانت مثل زبد البحر»؛ (کامل الزیارات، ص 335) از این کلام نورانی استفاده می شود گریه بر سیدالشهداء باعث آمرزش گناهان و در نتیجه رهایی از سخط خداوند را به دنبال دارد.

و احادیث زیاد دیگری در این باب وجود دارد که مضمون آنها این است شعر گفتن برای حسین (ع)، مرثیه خوانی، گریه، توسل و زیارت و هر نوع اظهار ارادت دیگر باعث نجات از دریای گناهان، خشم پروردگار، آتش قهر الهی، اندوه و غم، دل مردگی شده و رحمت و رضوان الهی، بهشت، حیات دل و مانند آن را به دنبال خود دارد.

تذکر چند نکته :

1- نجات دهنده اگر چه مختص به سالار شهیدان نمی باشد ولی در عین حال تفاوت اساسی با نجات دهندگی سایر امامان دارد. به عبارت دیگر، اگر چه همه ائمه کشتی نجات هستند ولی کشتی نجات حسینی ویژگی خاصی دارد و به فرموده امام رضا (ع) آدمی را سریعتر و زودتر به مقصد می رساند. بنابراین افرادی که بیش از اندازه گرفتار طوفانهای وحشت زده هستند و راه درازی را در پیش رو تا رسیدن به ساحل نجات دارند، امام حسین (ع) بهترین کشتی نجات است. گریه بر سیدالشهداء به نظر بزرگان صاحب‌دل از نماز شب- که مرکب راهوار برای سلوک شبانه اهل معرفت می باشد- زودتر انسان سالک را از غم فراق نجات داده و به عالم وصال می رساند.

کشتی نجات حسینی، یک شبه ره صد ساله را پیموده و جبران عقب ماندگی های خیلی زیاد معتکفین حضرتش را می نماید. مثلاً حر بن یزید ریاحی را در نظر بگیرید که حتی در کمتر از یک شب و در مدت خیلی کوتاه، روز عاشورا خود را به کشتی نجات حسینی رسانده، از ورطه هلاکت بیرون کشاند.

2- نجات دهنده امام حسین (ع) همانند مصباحیت او، منحصر و محدود به زمان حیات و یا بعد از حیات او نمی باشد، بلکه قبل از حیات حضرتش را نیز، شامل می گردد.

انبیاء عظام در طول حیات مبارک خودشان، به کرات بر دامن حضرت سیدالشهداء چنگ توسل زده و از مصائب و گرفتاری ها نجات یافته اند. به عنوان نمونه حضرت یوسف (ع) در خروج از چاه متوسل به خمسه طویه شد و نجات بر او زمانی حاصل شد که کلمه «&#171; بحق الحسین» را ادا نمود. همچنین آن حضرت بعد از سالها زندانی شدن، متوسل به پنج نور پاک شد و همین که «&#171; بحق الحسین» را گفت، زندانبان آمد و گفت: «&#171; یوسف ایها الصدیق افتنا الخ»؛ و خلاصی حاصل شد. (وسائل المحبین، ص 511).

درخصوص نجات حضرت یعقوب از غم فراق یوسف (ع)، وقتی کار به او خیلی سخت شد، عرض کرد پروردگارا، آیا رحم نمی کنی به من، در حالی که چشمهایم از کثرت گریه، بی نور شده و نور دیده ام از دست رفته است، پس خدای متعال بر او وحی فرستاد که این دعا را بخوان: «&#171; اللهم انی اسألك بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین ان ترد عینی و نور عینی»؛ (وسائل المحبین، ص 511) پس به محض اینکه اسم مبارک حسین (ع) را بر زبان جاری کرد، بشیر آمد و از نور دیده اش خبر آورد و روشنایی چشمهایش برگشت.

3- نجات دهنده سیدالشهداء محدود به خود آن حضرت نبوده و بلکه به ارادتمندان و زائران کوی امام عشق نیز تسری پیدا می کند و آنها نیز خود و دیگران را از عذاب الهی نجات داده و به سوی بهشت عاشقان سوق می دهند.

به عنوان مثال از سیف تمار نقل شده که از امام صادق (ع) شنیدم که می فرماید: «&#171; زائر الحسین مشفع یوم القیامة لمأة رجل کلمه قد وجبت لهم النار ممن کان فی الدنیا من المسرفین»؛ (کامل الزیارات، ص 547) یعنی: «&#171; زائران حسین (ع) در روز قیامت شفاعت کننده به صد نفری است که همه آنها مستحق آتش جهنم باشند»؛ یا در روایت دیگری وارد شده است «&#171; انه یقال لهم خذوا بید من اجببتم فادخلوه الجنة»؛ یعنی: «&#171; به درستی که برای آنها گفته می شود که بگیرید دست هر کسی را که می خواهید و آنها را داخل بهشت نمایید»؛.

بنابراین طبق حدیث فوق، حسین (ع) مایه هدایت و نجات امت، در ظرف زمان دنیا می باشد که تشنگان حقیقت را هدایت و سالکان کوی ارادت را نجات داده و آنها را ساکن وادی توحید و بهشت رضوان الهی می کند.

منابع و مأخذ :

1- قرآن کریم.

2- ابراهیم مصطفی و همکاران، المعجم الوسیط، استانبول، دارالدعوة، 1410 ه. ق.

3- ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، 1408، ه. ق.

4- جعفر بن محمد قولویه، کامل الزیارات، ترجمه سیدمحمدجواد ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، 1377 ه. ش.

5- راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، الدار الشامیه، 1416 ه. ق.

- 6- سپهر محمدتقي، ناسخ التواريخ، تهران، كتابفروشي اسلاميه، 1307 هـ. ش.
- 7- شريعتمدار تبريزي، محمدحسين، وسائل المحبين (شرح و ترجمه خصائص الحسينيه)، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1372 هـ. ش.
- 8- شوشترى، جعفر، خصائص الحسينيه، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1372 هـ. ش.
- 9- عندليب همداني، حسين، ثارالله، خون حسين(ع) در رگهاي اسلام، قم، انتشارات خيمه، 1387 هـ. ش.
- 10- قمي، عباس، مفاتيح الجنان، قم، مركز چاپ و نشر معارف اهل بيت (ع)، 1383 هـ. ش.
- 11- .....، سفينه البحار، تهران، فراهاني.
- 12- .....، منتهي الامال، تهران، مطبوعاتي حسيني، 1372 هـ. ش.
- 13- محدثي جواد، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، 1418 هـ. ق.
- 14- مجلسي محمدتقي، بحارالانوار،
- 15- نوري طبرسي حسين، مستدرک الوسائل و المستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، لأحياء التراث، 1407 هـ. ق.

[1] - ر ك، بحارالانوار، ج 25، ص 1 به بعد.

[2] - بحارالانوار، ج 43، ص 243 به بعد.

دکتر محمد فتح الله زاده